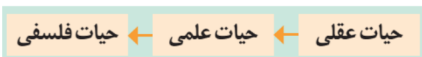


## درس نهم: آغاز فلسفه در جهان اسلام

❖ چند نکته تستی:

✓ به لحاظ تاریخی، در جهان اسلام مسیر شکل‌گیری حیات عقلی، علمی و فلسفی این‌گونه بوده است:



✓ اما به لحاظ تاثیر و تاثر (اثرگذاری) این‌گونه است:



✓ نخستین فیلسوف مسلمان، ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی است.

✓ زمینه‌های رشد فلسفه:

۱. دعوت قرآن کریم و پیامبر اکرم به خردورزی:

عوامل زمینه‌ساز بحث‌های علمی، به زبان ساده و خلاصه:

- ارزش قایل شدن به فکر
- ارزش قایل شدن به علم
- ارزش قایل شدن به عالم
- نفی و مذمت جهل و نادانی
- طرح مباحث علمی و فلسفی و استدلال‌آوری
- دعوت به یادگیری از ملت‌های دیگر

۲. گسترش مباحث اعتقادی میان مسلمانان: طرح مباحثی چون اثبات وجود خدا، صفات خدا، ضرورت معاد، جبر و اختیار و ...

۳. نهضت ترجمه متون: ترجمه کتب گوناگون فلسفی، منطقی، طبی، ریاضیاتی، سیاست و ... از زبان‌های یونانی، پهلوی، هندی و سریانی به عربی (زبان علمی رایج آن زمان)

✓ فلاسفه مسلمان اگرچه از آرای افلاطون و ارسطو بهره بردند؛ اما با نقد و بررسی، یک نظام فلسفی نوینی را بنیان گذاشتند و اندیشه‌های جدید و بی‌سابقه‌ای ارائه کردند.

✓ فلسفه اسلامی از ابتدا، روش استدلالی و برهانی و قیاسی داشت و متکی به آرای ارسطو بود.

- ✓ این شیوه استدلالی و قیاسی، به خاطر موسس اول آن، ارسطو، به «حکمت مشاء» مشهور شد.
- ✓ فارابی و ابن سینا بزرگترین حکمای مشاء هستند.
- ✓ چند نکته تستی ساده و حفظی:
  - موسس روش مشائی (استدلالی) در فلسفه: ارسطو
  - اولین فیلسوف مسلمان: کندی
  - موسس فلسفه اسلامی (حکمت مشاء اسلامی): فارابی
  - اوج حکمت مشاء (نظام‌مند کننده و تدوین کننده حکمت مشائی): ابن سینا
- ✓ فارابی کتاب «الجمع بین رای الحکیمین» را برای بیان «نقاط مشترک» اندیشه افلاطون و ارسطو نوشت.
- ✓ فارابی بر کتاب «ما بعد الطبیعه» ارسطو شرحی نوشت به نام «اغراض ارسطو فی کتاب مابعدالطبیعه».
- ✓ فارابی با آشنایی عمیقش با تعالیم اسلام و نیز با افلاطون و ارسطو، نظام جدیدی (فلسفه اسلامی) را بنیان نهاد.
- ✓ **یک بحث روش‌شناسی مهم:**

این روش‌شناسی را از همین حالا یاد بگیریم و تا انتهای کتاب آن را دنبال خواهیم کرد:  
روش حکمت مشاء: استدلال و قیاس و برهان

روش حکمت اشراق: استدلال و قیاس و برهان + سیر و سلوک و تهذیب نفس (عرفان)

روش حکمت متعالیه: استدلال و قیاس و برهان + سیر و سلوک و تهذیب نفس (عرفان) + قرآن (وحی)

فلاسفه حکمت مشاء: فارابی، ابن سینا، خواجه نصیرالدین طوسی.

فلاسفه حکمت اشراق: شهاب الدین سهروردی، قطب‌الدین رازی.

فلاسفه حکمت متعالیه: ملاصدرا و پیروان او (صدرائیان)

### ❖ فلسفه سیاسی فارابی

- ✓ از نگاه فارابی، انسان مدنی بالطبع (مدنی یعنی شهری و متمدن) است؛ یعنی طبع و ذات و فطرتش به اجتماعی زیستن گرایش دارد. (پس انسان به اجبار و اضطرار، مجبور به زندگی اجتماعی نشده، حتی اگر به هموعانش نیاز داشته است)
- ✓ پس از آنجا که انسان طبعاً به زندگی اجتماعی گرایش دارد، سعادت او در گرو زندگی اجتماعی است؛ یعنی از نگاه فارابی اگر کسی از اجتماع فاصله بگیرد و خود را منزوی کند، سعادت‌مند نمی‌شود.
- ✓ سعادت مد نظر فارابی، هم سعادت دنیا است و هم آخرت.
- ✓ **مدینه فاضله:** از نگاه فارابی، مردم مدینه فاضله، آراسته به فضایلند و به اموری مشغولند که آنها را سعادت‌مند (دنیا و آخرت) می‌کند.
- ✓ مدینه فاضله مانند بدنی سالم است؛ یعنی هر عضو (فرد) کار و وظیفه خودش را به درستی انجام می‌دهد. همچنین همانطور که بدن، رئیس دارد، مدینه فاضله هم زعیم و رهبر دارد و بر مردم ریاست می‌کند.
- ✓ رئیس مدینه فاضله این شرایط را دارد:
  - روحی بزرگ و سرشتی عالی
  - نایل شده به عالی‌ترین درجات تعقل
  - می‌تواند احکام و قوانین الهی را دریافت کند
  - این ویژگی‌ها بر پیامبر صدق می‌کند. (پس نبوت، شرط ریاست مدینه فاضله نیست!) و حتی شامل امامان و... هم می‌شود.

جزوه نکات تستی فلسفه دوازدهم انسانی (ویراست ششم) - دکتر حمید رضا عبدلی

@h\_r\_abdoli کانال شخصی \*\* @dr\_abdoli\_test تدریس و اطلاع رسانی (ایتا و تلگرام)

- رئیس مدینه فاضله با فرشته وحی (عقل فعال) اتصال دارد. (تعبیر اتحاد غلط است).
- نتیجه اینکه رئیس مدینه فاضله، جامعه را به درستی و در جهت نیل به سعادت حقیقی راهنمایی می‌کند.
- ✓ **مدینه جاهله:** در مقابل مدینه فاضله است و تفاوت اصلی آن در هدف است. هدف مردم مدینه جاهله ۱. سلامت جسم و لذت‌های دنیایی است. اگر آنها به این دو نرسند، احساس بدبختی (شقاوت) دارند.
- ✓ **نکته:** منظور این نیست که مردم مدینه جاهله، سعادت را نمی‌فهمند و نمی‌شناسند؛ بلکه آن را در چیز دیگری می‌جویند؛ یعنی فضایل و سعادت دنیا و آخر، برایشان مهم نیست.